

درباره حواشی فروش 25 میلیارد تومانی آثار هنری؛
آیا هنر فرشچیان به اندازه بازی یک فوتبالیست لیگ برتری نمی‌ارزد؟!

عربستان به چند هنرمند مصری، تابعیت داده تا به نام کشور عربستان اثر هنری خلق کنند و به نام عربستان در بازارهای بین‌المللی عرضه کنند. از طرف دیگران خریداران سعودی به عنوان خریدار عمده این آثار در حراجی‌ها حضور می‌یابند و با خرید برخی از این آثار، اقدام به بازارگرمی برای هنرمندان مملکت‌شان می‌کند تا هنر اجاره‌ای عربستان را برجسته کنند؛ اما در کشور ما در مقابل هنر خالص ایرانی گارد گرفته می‌شود!

07 June 2016-

تاریخ: ۱۸ خرداد ۱۳۹۵ - ۱۱:۲۳

کد خبر: ۵۹۵۵۰۶

پس از رکوردشکنی پنجمین حراج تهران و فروش 25 میلیاردتومانی آثار هنری در تهران، موضوع‌گیری‌هایی در نقد برگزاری چنین حراج‌های هنری انجام شد و چنین به نظر آمد که برگزاری این حراج یک اتفاق تلخ برای کشور است؛ اما یک بررسی ساده نشان می‌دهد راه قدرتمند شدن هنر ایران از دل این حراج‌هاست و ایران از رقابای منطقه‌ای‌اش نیز در این زمینه عقب‌تر است.

به گزارش «تابناک»، پنجمین حراج هنری تهران که سالیانه برگزار می‌شود، هفتم خردادماه با عرضه مجموعه‌ای ارزشمند از آثار هنری کشورمان همراه بود و در نهایت مجموعاً 25 میلیارد تومان فروش داشت که البته هرچند یک رکورد در سطح ملی به شمار می‌رود، در سطح بین‌المللی با رقم 7.4 میلیون دلاری، کوچک‌ترین حراج هنری بین‌المللی محسوب می‌شود.

در خاورمیانه فعلاً آخرین حراج کریستیز دویی، بالغ بر ده میلیون دلار فروش داشته و موقعیتی بهتر از حراج تهران دارد، ولی اگر حراج تهران با این شیب تند رشد کند، احتمالاً به زودی نه تنها رقابای منطقه‌اش را پشت سر می‌گذارد، بلکه در سطح بین‌المللی نیز جزو حراج‌های معتبر خواهد بود که سیل مجموعه داران بین‌المللی و حتی گردشگران هنری را به ایران سرازیر می‌کند.

با طرح این شرایط، برای بسیاری این پرسش مطرح می‌شود که اساساً چرا باید در کشوری چون ایران، حراجی هنری به این شکل برگزار شود و تابلوهایی نظیر تابلوهایی با قیمت‌های 3 میلیاردی (سهراب سپهری) و 1.2 میلیاردی (محمود فرشچیان) عرضه شود؟ آیا اساساً چنین فضایی در کشوری که این تعداد فقیر دارد، قابل تحمل است و آیا این اشرافی‌گری نیست؟!

برای پاسخ به این پرسش از ساده‌ترین پاسخ‌ها باید شروع کرد و آن هم اینکه، اگر یک سرمایه‌دار به جای خرید پورشه و مازراتی یا خانه‌های چندده میلیاردی در تهران و لندن، سرمایه‌اش را صرف خرید آثار هنری کرده و در این بخش سرمایه‌گذاری کند، یک اتفاق مهم در چرخه اقتصاد ایران رخ داده و آن هم استفاده بهینه از این سرمایه‌ها برای حمایت و تقویت هنر این سرزمین است.



هرچند گروهی از هنرمندانی که آثارشان در حراج تهران عرضه شده، بدرود حیات گفته‌اند، بسیاری از ایشان زنده هستند؛ بنابراین، چه اشکالی دارد که یک تابلوی هنرمند زنده ما 200 یا 500 میلیون تومان و حتی بیشتر عرضه شود؟ اگرچه قدر و منزلت هنر را نمی‌توان با پول خریداری کرد، اگر این هنر را بی‌ارزش جلوه داد، به هنرمند این مملکت توهین شده است

چگونه در لیگ برتر فوتبال ایران، برای پا به توپ زدن‌های بی‌حاصل که عمدتاً تأثیر عمیقی نیز در کشور ندارد، به بازیکنان فوتبال تا 1.5 میلیارد تومان پرداخت می‌شود و هیچ اعتراضی نمی‌شود؛ اما وقتی تابلوی مینیاتور ارزشمند فرشچیان - که همیشه ماندگار خواهد بود - 1.2 میلیارد تومان در حراج تهران به فروش می‌رسد، اسباب نگرانی برخی را فراهم می‌سازد؟ آیا هنر فرشچیان به اندازه بازی یک فوتبالیست لیگ برتری نمی‌ارزد؟!

از سوی دیگر باید توجه داشت که قدرت هنر یک کشور در دوران کنونی - بخواهیم یا نخواهیم - با ارزش مادی آثار هنری یک کشور و همچنین سرمایه گذاری که در این عرصه صورت می‌پذیرد، سنجش می‌شود. یکی از دلایلی که بسیاری از هنرمندان برجسته ایرانی نظیر کمال الملک در سطح بین‌المللی شناخته نیستند، عدم عرضه آثارشان - که برخی از آنها در اختیار مجموعه داران خصوصی است- در سطح بین‌المللی است و واقعیت این است که آثار سهراب سپهری یا فرهاد مشیری از آثار کمال الملک در حراج‌های بین‌المللی شناخته شده‌ترند، چون بارها عرضه شده‌اند.

در واقع سوای اینکه اثر هنری چه ویژگی‌های زیبایی شناسی داشته باشد، هنری امروز مورد توجه قرار می‌گیرد که ارزش مادی بیشتری داشته باشد؛ بنابراین، عربستان به چند هنرمند مصری، تابعیت داده تا به نام کشور عربستان اثر هنری خلق و به نام عربستان در بازارهای بین‌المللی عرضه کنند. از طرف دیگر، خریداران سعودی به عنوان خریدار عمده این آثار در حراجی‌ها حضور می‌یابند و با خرید برخی از این آثار، اقدام به بازارگرمی برای هنرمندان مملکت‌شان می‌کند تا هنر اجاره‌ای عربستان را برجسته کنند اما در کشور ما در مقابل هنر خالص ایرانی چنین گارد گرفته می‌شود!

البته سرمایه گذاری مالی در حوزه هنر علاوه بر آنکه به اقتصاد ضعیف هنرهای تجسمی ایران کمک جدی کرده

و نسل تازه هنرمندان در حال عرضه آثارشان هستند، باید به عنوان یک سرمایه و پشتوانه مالی نیز مورد توجه قرار گیرد. بخشی از پشتوانه مالی سوییس تابلوهای هنری هستند که در اختیار دولت این کشور هستند و همین کشور قطر که در تمامی حوزه‌های هنری سرمایه‌گذاری کلانی را آغاز کرده، تابلوی «کی ازدواج خواهی کرد؟ / When Will You Marry» پل گوگن را به ارزش سیصد میلیون دلار خریده که عنوان اولین یا دومین اثر هنری (محل اختلاف است) گرانقیمت جهان را در اختیار دارد!

سواى ابعاد مالی و توجه به افزایش قیمت مادی آثار هنری ایرانی، باید به تقویت نگاه جهانیان به این ارزش ذاتی هنر ایرانی، توجه داشت. جدای اینکه خالق بسیاری از این آثار چه کسانی هستند، اصل بسیاری از این آثار جنبه‌های ایرانی و اسلامی بسیار پررنگی دارد و به عنوان نمونه آثار محمداحصایی و نصرالله افجه‌ای قابل اشاره است که در حراج‌های بین‌المللی نیز با قیمت‌های قابل توجهی خرید و فروش می‌شود.

طبیعتاً اگر این هنرمند اسلامی و ایرانی امثال احصایی و افجه‌ای صادر شود و در گالری‌های معتبر جهان در نیویورک و لندن و پاریس به نمایش درآید، این نفوذ فرهنگی است که تحقق یافته است. اندکی در آنچه در هنر ایران در حال رقم خوردن است، تدبر کنیم و عمق اتفاقی که تازه آغاز شده را تماشا کنیم؛ بنابراین دوست داشته باشیم یا نداشته باشیم، اگر بخواهیم هنر ایران در جهان دیده شود، باید قیمت این آثار افزایش یابد و این امکان اکنون در حراج تهران فراهم شده است. حراج هنری تهران، درجه نفوذ ایران به بالاترین سطح هنر جهان است؛ البته اگر این درجه باز بماند.

دانلود